

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 10514

Chamber One

دیوان دادگاه دعوی ایران - ایالات متحده

پرونده شماره ۱۰۵۱۴
شعبه یک
حکم شماره ۳۶۰-۱۰۵۱۴-۱

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دادگاه دعوی ایران - ایالات متحده
FILED -	ثبت شد -
Date 20 APR 1988	تاریخ ۱۳۶۷ / ۱ / ۲۱
شماره ۱۰۵۱۴	

لئونارد و میویس دیلی،
ادعای کمتر از ۲۵۰,۰۰۰ دلار مطروح توسط
ایالات متحده امریکا،
خواهان،

- ۹ -

جمهوری اسلامی ایران،
خوانده.



حکم

حاضران :

از جانب خواهانها : آقای لئونارد دیلی
خواهان،
آقای مایکل اف. رابین
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده امریکا،
خانم لیسا گروش
وکیل و مشاور وزارت خارجه ایالات متحده امریکا.

از جانب خوانده : آقای اکبر شیرازی
از جانب نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،
آقای محمد حسن بردبار و
دکتر بهروز گلپایگانی
مشاوران حقوقی نماینده رابطه
آقای سهراب ربیعی
دستیار نماینده رابط.

الف - گردش کار

۱ - در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] ایالات متحده آمریکا دادخواستی حاوی یک دعوى به خواسته کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار، متعلق به لئونارد و میویس دیلی ("خواهانها")، علیه جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") به ثبت رساند. دادخواست مکملی نیز در ۳۰ مهرماه ۱۳۶۳ [۲۲ اکتبر ۱۹۸۴] به ثبت رسید. خواهانها خساراتی جمعاً به مبلغ ۸۳،۵۰۰ دلار بابت سلب مالکیت ادعایی پاره‌ای اموال، به اضافه بیمه و هزینه‌ها مطالبه می‌کنند.

۲ - خوانده در تاریخ ۱۳ دیماه ۱۳۶۴ [سوم ژانویه ۱۹۸۶] لایحه دفاعیه‌ای به ثبت رساند. پیرو دستورات دیوان، هر دو طرف لوایح و مدارک دیگری نیز تسليم کردند. جلسه استماعی که قرار بود در ۲۶ آذرماه ۱۳۶۶ [۱۷ دسامبر ۱۹۸۷] برگزار شود، در ۲۸ آذرماه ۱۳۶۶ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۷] تشکیل گردید.

ب - واقعیات و اظهارات طرفین

۳ - خواهانها، زن و شوهری هستند که در سال ۱۹۶۵ به تابعیت اکتسابی ایالات متحده درآمدند. خوانده استدلال می‌کند که این امر برای اثبات تابعیت غالب و موثری که به نظر وی، لازمه اهلیت اقامه ادعا در این دیوان است، کافی نمی‌باشد. آقای لئونارد دیلی اظهار می‌دارد که وی ابتدا از سال ۱۹۷۲ به عنوان مدیر طرحها و برنامه‌های صنایع هوایی ایران و بعداً تا ژوئن ۱۹۷۹ به عنوان مدیر برنامه ریزی شرکت ساختمانی هاور نفت در ایران شاغل بود. شرکت اخیرالذکر، قراردادی برای ساختن شهرکی مشکل از واحدهای مسکونی پیش ساخته ارزان قیمت با وزارت مسکن داشت که به پروژه رودخانه جراحی معروف بود. در سراسر این مدت، آقای

دیلی و همسرش میویس با دو تن از فرزندانشان در تهران زندگی می کردند. باز ماه مه ۱۹۷۷ تا مدتی از سال ۱۹۷۹، خانواده ایشان در آپارتمان شماره ۲۲، بوسستان ششم واقع در سلطنت آباد تهران که آپارتمان بزرگی در طبقه دوم بود، سکونت داشتند. ایشان این آپارتمان را از آقای حسن صالحی نسب، کارمند وزارت دارایی اجاره کرده بودند. صاحبخانه با همسر و خانواده اش در طبقه زیر سکونت داشتند.

۴ - آقای دیلی اظهار می دارد که دو فرزند ایشان، لینت و براین در فوریه ۱۹۷۹، پس از بسته شدن مدارس دانش آموزان امریکائی در تهران، برای ادامه تحصیل به ایالات متحده بازگشتهند. نامبرده مدعی است که وی و همسرش همچنان به اقامت در همان آپارتمان ادامه دادند، تا اینکه ملاحظات امنیت جانی ایشان را بر آن داشت که در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [هفتم مه ۱۹۷۹] به منزل یک دوست انگلیسی در شمال تهران نقل مکان کنند. آقای دیلی ادعا می کند که چون وی و همسرش قصد داشتند پس از آرام شدن اوضاع به منزل خود برگردند، لذا اموال و اثاثه خود را در همان آپارتمان بوسنان ششم باقی گذارند. خوانده این مطلب را انکار و براساس شهادت آقای صالحی نسب، مالک آپارتمان، ادعا می کند که خواهانها در تاریخ سوم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۲ فوریه ۱۹۷۹] کلیدهای خود را به وی تحويل داده و آپارتمان را به صورت خالی ترک کرددند.

۵ - آقای دیلی ادعا می کند که تا ژوئن ۱۹۷۹ دیگر ادامه کار برای کارفرمایان وی در پروژه خانه سازی، و یا زندگی عادی روزمره برای وی و همسرش در تهران غیرممکن شده بود. وی اظهار می دارد که در چهارم تیرماه ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئن ۱۹۷۹] وی و همسرش با هواپیمای بریتانیش اروپیز، ایران را به صوب لندن ترک کرده، از آنجا به ایالات متحده رفتند.

۶ - خواهانها بابت چهار گروه اموال که حسب ادعا، در موقع متفاوتی بین ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷ و چهارم تیرماه ۱۳۵۸ [۱۹ فوریه و ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹] توسط پاسداران انقلاب مصادره شده‌اند، مطالبه غرامت می‌کنند. بنابراین، اتخاذ تصمیم راجع به این پرونده، منوط به این نتیجه گیری نیست که خواهانها از ایران اخراج شده‌اند.

الف) اتومبیل پیکان

۷ - آقای دیلی ادعا می‌کند که اتومبیل پیکانی داشت که در ماه ژوئیه ۱۹۷۸ آنرا به مبلغ ۸،۷۵۰/- دلار خریده بود. وی اظهار می‌دارد که روز ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۹ فوریه ۱۹۷۹] هنگامی که به هتل هیلتون تهران می‌رفت، تا در ساعت ۱ بعدازظہر با آقای اووی کوک، مشاور صنایع هوایی ایران، ملاقات کند، پاسداران انقلاب در خارج از هتل مجبور جلوی او را گرفتند و اتومبیل را ضبط کردند. آقای دیلی بابت ارزش استهلاکی اتومبیل که هیچگاه به وی بازگردانده نشد، مبلغ ۷،۵۰۰/- دلار خسارت مطالبه می‌کند.

۸ - خوانده این ادعا را مردود دانسته، در عوض استدلال می‌کند که اتومبیل قبل از خروج آقای دیلی از ایران، فروخته شده بود. وی مضافاً استدلال می‌کند که خواهانها از عهده اثبات مالکیت اتومبیل برآینده‌اند، زیرا مدرک یا نشانه‌ای از شماره اتومبیل یا سایر مشخصات، از قبیل نام یا نشانی مالک قبلی و یا محضری که خرید اتومبیل را به ثبت رسانده، ارائه نکرده‌اند، تا به کمک آن بتوان اتومبیل را ردیابی کرد. بعلاوه، خوانده به شرح وقایع مربوط به توقيف اتومبیل در خارج از هتل هیلتون تهران، به صورتی که آقای دیلی ادعا نموده، ایراد می‌گیرد.

ب) اسب اصیل

۹ - دومین مورد سلب مالکیت ادعایی، مربوط است به یک راس اسب اصیل بنام "براون شوگر" که آقای دیلی در سال ۱۹۷۳ که اسب دوساله بود، به مبلغ ۷،۸۰۰ دلار برای دخترش لینت خریده بود. خواهانها اظهار می‌دارند که اسب در انجمان سوارکاری سلطنتی ایران به ثبت رسیده بود و در اصطبلهای سلطنتی نوروزآباد در حومه تهران نگهداری می‌شد. ایشان ادعا می‌کنند که پس از انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹، چندین بار کوشیدند به اسب خود دسترسی یابند، لکن پاسداران انقلاب که به نظر می‌رسید کنترل اصطبلها را به دست گرفته بودند، مانع ورود آنها به اصطبل شدند. خواهانها اظهار می‌دارند که نتوانستند اسب و وسایل سوارکاریشان را پس بگیرند. طبق استدلال خواهانها، این معنویت ورود و دسترسی در طول ماههای فوریه و مارس ۱۹۷۹، منجر به محرومیت آنها از حقوق مالکیتشان شده، ایجاد حق مطالبه غرامت نموده است. مبلغ مورد ادعا در مورد اسب مورد بحث ۱۵،۰۰۰ دلار است که بنا به ادعای آقای دیلی، قیمتی است که در چندین مورد برای اسب پیشنهاد شده بود.

۱۰ - خوانده به دو دلیل عمدۀ منکر مسئولیت است. اولاً، خوانده قبول ندارد که معانعی از جهت دسترسی به اسب صورت گرفته و به مدرکی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد آقای دیوید رنشا، دوست و همکار خانواده دیلی، می‌توانسته با اسب تمرین کند و حتی حق‌الرحمه نگهداری و مواظبت از اسب در اصطبل را نیز پس از ماه ژوئن ۱۹۷۹ پرداخت می‌کرد. خوانده مضافاً به بیع‌نامه‌ای حاکی از انتقال مالکیت اسب استناد می‌کند، که آقای دیلی در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۸ [۲۳ ژوئن ۱۹۷۹] به نفع آقای رنشا امضا کرده بود و این عمل، مغایر با این نتیجه گیری است که اسب چند ماه قبل مصادره شده بوده است.

ج) فالیهای کاشان و سایر اثاثه منزل

۱۱ - آقای دیلی مدعی است که پاسداران انقلاب سه مرتبه، یکبار در ماه مارس و دوبار در ماه آوریل ۱۹۷۹ وارد آپارتمان شده، به نحوی تحریک آمیز به جستجوی محل پرداخته، موجب سلب آسایش ایشان شدند. درنتیجه، آقا و خانم دیلی در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [هفتم مه ۱۹۷۹] به منزل دوستی در شمال تهران نقل مکان کردند و تنها مقداری البسه ضروری با خود برداشتند، زیرا قصد داشتند پس از بهبود اوضاع بازگردند و بقیه اثاثه خود را ببرند. بنا به ادعای آقای دیلی، یکی از دوستانش به وی اطلاع داد که پاسداران انقلاب را در حال بیرون بردن اثاثه از آپارتمان دیده و بنابراین روز بعد، یعنی دهم خدادادماه [۳۱ مه] وی به آپارتمانش بازگشت و مشاهده کرد که در ورودی شکسته و کف آپارتمان پوشیده از شیشه خرد است و اثری از اسباب و اثاثه نیست. آقای دیلی ارزش اثاثه مفقوده را ۱۱،۶۰۰/- دلار برآورد می کند. بعلاوه، خواهانها مبلغ ۱۵،۰۰۰ دلار بابت دو تخته قالی دستباف کاشان، که در سال ۱۹۷۲ خریداری کردند و حسب ادعاء، جزو اشیاء برده شده از آپارتمان بود، مطالبه می نمایند.

۱۲ - در پاسخ، دولت ایران انکار می کند که آپارتمان خانواده دیلی مورد بازرگانی واقع یا بهم ریخته شده و یا محتويات آن بیرون برده شده باشد. بالعكس، خوانده با استناد به ادلی و مدارک صاحبخانه خواهانها، اظهار می دارد که آپارتمان در طول این مدت خالی بوده، زیرا خانواده دیلی قبله با درج آگهی در روزنامه های محلی قبل از خروجشان در سوم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۲ فوریه ۱۹۷۹]، اسباب و اثاثه منزلشان را فروخته بودند و پس از آن تاریخ، هیچ وسیله باارزشی در آپارتمان باقی نمانده بود. خوانده همچنین بر مبنای مهر تاریخ گذرنامه های آقا و خانم دیلی و اظهارات آقای دیلی رنشا در سوگندنامه اش، استدلال می کند که آقا و خانم دیلی، حداقل

در قسمتی از دوره‌ای که ادعا شده است رویدادهای مذبور در آن زمان به وقوع پیوست، خارج از ایران بوده‌اند.

د) سکه، جواهرات و پول نقد

۱۳ - چهارمین عنصر دعوی مربوط است به ضبط ادعایی اقلامی که آقا و خانم دیلی هنگام خروج از ایران در چهارم تیرماه ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئن ۱۹۷۹] با خود حمل می‌کردند. طبق اظهار آقای دیلی، وی و همسرش بلیط پرواز دوم تیرماه [۲۳ ژوئن] بریتانیا را تهیه کرده بودند، لکن به علت مختل شدن برنامه پروازها نتوانستند تا چهارم تیرماه [۲۵ ژوئن] حرکت کنند. ایشان البته و پول خود را در چمدان گذاشته، با تاکسی به فرودگاه مهرآباد رفتند. آقای دیلی مدعی است که هنگام ورود به آنجا، پاسداران انقلاب وی و همسرش را بازرسی کرده، پول نقد و اشیاء قیمتی را که ایشان با خود حمل می‌کردند، ضبط نمودند. آقای دیلی این اقلام را به این شرح ذکر می‌کند: ۱۵،۰۰۰ دلار پول نقد، شامل اسکناسهای ۱۰۰۰ دلاری که وی طی مدتی با تبدیل در بازار تهران، به دست آورده بود، ۴۹ سکه پهلوی جمعاً به ارزش ۱۴،۱۰۰ دلار، ساعت مچی مارک رولکس آقای دیلی به ارزش ۸۰۰ دلار و جواهرات خانم دیلی به ارزش ۵۰۰،۴ دلار.

۱۴ - خوانده انکار می‌کند که چنین واقعه‌ای در جریان خروج آقا و خانم دیلی در فرودگاه اتفاق افتاده یا می‌توانسته اتفاق بیفتد و استدلال می‌کند که به هر صورت، این قبیل اعمال غیرقانونی را نمی‌توان قابل انتساب به دولت ایران دانست. خوانده انکار می‌کند که اسکناسهای ۱۰۰۰ دلاری در هنگامی که آقای دیلی مدعی است آنها را به دست آورده، در ایران وجود داشته است. خوانده همچنین اظهار می‌دارد که ادله و مدارک حاکی است که خانم دیلی قبل از فوریه ۱۹۷۹ از ایران

خارج شده بود و هیچگاه همراه شوهرش بازنشست.

ج - دلایل حکم

اول - موضعات صلاحیتی

۱۵ - خوانده به اهليت آقا و خانم ديلى برای اقامه دعوى در ديوان ايراد گرفته، استدلال می کند که دليل و مدرک كافي داير بر اينکه تابعيت غالب و موثر نامبردگان، امریکائی است، وجود ندارد.

۱۶ - ديوان داوری ملاحظه می نماید که خواهانها به عنوان مدرک تابعيت امریکائی خود، گواهی نامه هایی به تاريخ اول آذرماه ۱۳۴۴ [۲۲ نومبر ۱۹۶۵] در مورد کسب تابعيت ایالات متحده، ارائه نموده اند. گذرنامه های هیچک از خواهانها در اختيار ديوان قرار نگرفته است. آقای ديلى در سوگندنامه دومی که به ديوان تسلیم نموده، اظهار داشته است که وی و همسرش پس از کسب تابعيت امریکائی، بلافاصله گذرنامه های انگلیسی خود را به محل صدور آن در لندن، عودت داده، بدانوسيله تابعيت انگلیسی قبلی خود را ترك گردند. سوابق امر، همچنین حاوی نسخ گذرنامه های دو تن از فرزندان ايشان است که هر دو در ایالات متحده متولد شده اند. ديوان داوری متقادع شده است که خواهانها طبق تعريف مندرج در بند ۱ ماده هفت بيانیه حل و فصل دعاوی، تبعه ایالات متحده بوده و از تاريخ بروز ادعا همواره اين تابعيت را داشته اند.

دوم - ماهیت دعوی

الف) اتومبیل پیکان

۱۷ - خواهانها برای توفیق در ادعای خود، می‌بایست بار ارائه دلیل را متحمل شده، ثابت کنند که مالک اتومبیل به شرح موصوف، بوده‌اند و نیز اینکه اتومبیل توسط اشخاصی که اعمالشان قابل انتساب به دولت ایران بوده، مصادره شده و مضافاً اینکه، مبلغ مورد ادعا بابت غرامت، به درستی معادل ارزشی است که اتومبیل هنگام مصادره داشته است.

۱۸ - اختلافی در این مورد نیست که آقای دیلی حداقل تا اوایل سال ۱۹۷۹، صاحب یک دستگاه اتومبیل پیکان بود. اما خوانده اظهار می‌دارد که آقای دیلی قبل از تاریخ مصادره ادعایی واقع در ۳۰ بهمن ماه [۱۹ فوریه] اتومبیل را فروخته بود. آقای دیلی انکار می‌کند که چنین عملی را انجام داده، گرچه نامبرده در جلسه استماع اظهار داشت که در ژانویه ۱۹۷۹ کوشیده بود اتومبیل را بفروشد. آقای دیلی در آن زمان قبض رسیدی تهیه کرده و به همسرش داده بود، تا اگر خریدار همراه با پول سراغ اتومبیل آمد، آنرا به وی تحويل دهد، اما معامله پیشنهادی صورت نگرفت. خوانده برای اثبات اینکه اتومبیل فروخته شده بود، به شهادت آقای حسن صالحی نسب، صاحبخانه دیلی استناد می‌کند که همراه همسرش، هم به صورت سوکننامه و هم با اظهارات شفاهی در جلسه استماع، شهادت دادند. آقای صالحی نسب اظهار داشت که آقای دیلی پیشنهاد کرده بود اتومبیل خود را به وی بفروشد، اما وی از خرید آن امتناع کرد، زیرا خود وی اتومبیل مدل بهتری داشت. وی در پاسخ به سوال یکی از داوران، اظهار داشت که نمی‌داند بعداً چه بر سر اتومبیل آمد، اما به حال به خاطر می‌آورد که دخترش به وی گفته بود که از لینت

دیلی شنیده است که پدرش اتومبیل را فروخته است. دیوان این شهادت را دلیل کافی برای تائید این نتیجه‌گیری نمی‌داند که اتومبیل قبل از تاریخ مصادره ادعایی، فروخته شده بود.

۱۹ - در رابطه با رویدادهای ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۹ فوریه ۱۹۷۹]، آقای دیلی در اولین فقره از دو سوکننامه‌اش به تفصیل شرح داده است که چگونه وی با اتومبیل، برای ملاقات با آقای اووی کوک به هتل هیلتون رفت. هتل مزبور به صورت محل تجمع امریکاییانی درآمده بود که می‌خواستند از ایران خارج شوند. بازگویی آقای دیلی از وقایع، با آنچه که آقای کوک در شهادتنامه‌اش آورده، کاملاً مطابقت دارد. آقای کوک می‌گوید که وی شاهد نزدیک شدن آقای دیلی به هتل بوده است. یک کامیون ارتشی با پنج نفر پاسدار انقلاب با "اوینیفورم نظامی" در محل ورودی هتل توقف کرده بود. یکی از پاسداران به آقای دیلی دستور داد اتومبیل را متوقف کرده، از آن خارج شود. بنا به اظهار آقای کوک، سپس یکی از پاسداران سوار اتومبیل آقای دیلی شد و رفت و تلاش‌های خود وی برای مداخله فایده‌ای نبخشید. آقای دیلی مدعی است که موضوع از دست دادن اتومبیل را به یک مقام ایرانی در هتل هیلتون، و همچنین به وزارت مسکن و سفارت ایالات متحده گزارش کرد، ولی مراتب را به پلیس محل که دیگر قادر نبود بطور موثر عمل کند، گزارش نداد.

۲۰ - پس از احراز این مطلب که آقای دیلی در تاریخ ذیربطر هنوز مالک اتومبیل بوده است، دیوان داوری با توضیحات مفصل و غیر متناقض آقایان دیلی و کوک متقادع شده است که پاسداران انقلاب اتومبیل مورد بحث را با وضعی که تشریح گردیده، در تاریخ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۹ فوریه ۱۹۷۹] ضبط کردند. قبله "احراز شده است" که هتل هیلتون تهران در تاریخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۲ فوریه ۱۹۷۹] تحت

کنترل پاسداران انقلاب درآمده بود و از هتل یاد شده، به عنوان محل تجمع اتباع امریکایی که قصد خروج از ایران را داشتند، استفاده می‌شد. رجوع شود به: پاراگراف های ۴۰ و ۴۱ حکم جزئی شماره ۳۲۶-۱۰۱۹۹-۱، مورخ ۱۱ آبان ماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده کنت یعنی بیگر و جمهوری اسلامی ایران. به همین نحو، قابلیت انتساب اعمال پاسداران انقلاب به دولت جمهوری اسلامی ایران نیز توسط دیوان تائید شده است. همان حکم، پاراگراف‌های ۴۲ و ۴۳، و نیز ص ۴۵ حکم شماره ۱۱۶-۱-۳، مورخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۶۲ [۱۹ مارس ۱۹۸۴] صادره در پرونده ویلیام ال. ییریا اسوشی ایتس، ایران و جمهوری اسلامی ایران. (که در C.T.R. 198, 227 Iran-U.S. 5 در به چاپ رسیده است). بنابراین، دیوان متقادع شده است که اتومبیل آقای دیلی در تاریخ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۹ فوریه ۱۹۷۹] مصادره شده و لذا غرامت به آن تعلق می‌گیرد.

۲۱ - در رابطه با میزان غرامت، دیوان منطقی می‌داند که حکم به مبلغ خواسته، یعنی ۷،۵۰۰ دلار بدهد. روشن است که آقای دیلی اتومبیل را حدود هفت ماه قبل، یعنی در ژوئیه ۱۹۷۸ خریده بود. آقای صالحی نسب در سوکننامه خود، اتومبیل را "دست دوم" توصیف کرده است. بدین ترتیب تا زمان خرید اتومبیل توسط آقای دیلی، ارزش آن به اغلب احتمال بیشترین افت خود را کرده بود و کسر مبلغ ۳۰۰ دلار دیگر بابت استهلاک اتومبیل برای مدتی که آقای دیلی صاحب آن بوده، منطقی بنظر می‌رسد. هیچیک از طرفین رسیدی را که گفته شده آقای دیلی به عنوان مدرک فروش موردنظر در ژانویه ۱۹۷۹ تنظیم نموده بود، ارائه نکرده است. لذا، دیوان مبلغ ۷،۵۰۰ دلار به نفع خواهانها حکم می‌دهد.

ب) اسب اصیل

۲۲ - در این مورد نیز، بار دلیل بر عهده خواهانهاست که ثابت کنند مالک اسب بوده‌اند، و اسب توسط اشخاصی که اعمالشان قابل انتساب به دولت ایران است، مصادره شده و مضافاً اینکه، مبلغ مورد مطالبه ایشان، میان قیمتی است که اسب در تاریخ مصادره داشته است.

۲۳ - اختلافی در این مورد نیست که خواهانها اسب اصیلی داشتند که دخترشان لینت سوار آن می‌شد و از آن مراقبت می‌کرد. لکن طرفین راجع به اینکه اسب مصادره شده است یا خیر، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. خواهانها ادعای غرامت خود را بر این اظهار مبتنی می‌سازند که ممانعت مکرر از دسترسی به اسب توسط پاسداران انقلاب که کنترل اصطبلهای سلطنتی را در دست داشتند، سلب مالکیت محسوب می‌شده، زیرا که ایشان را از حق کنترل و مالکیتشان محروم کرده بود. دیوان داوری در پرونده‌های دیگر پذیرفته است که میزان معینی مداخله، تحت پاره‌ای اوضاع و احوال، می‌تواند حتی در نبود فرمان و مصوبه رسمی، سلب مالکیت تلقی شود. دیوان داوری نظر داده است که :

"اقدامات یک دولت در حقوق مالکیت، ممکن است آنچنان مداخله آمیز باشد و آن حقوق را طوری بی‌فایده نماید که ... می‌باشد آنرا سلب شده تلقی نمود."

ص ۴۷ قرار اعدادی شماره ۳۲-۲۴-۱ مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۲ [۱۹] دسامبر ۱۹۸۳ صادره در پرونده استارت هاوینگ کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران (که در R C.T.R 154 4 Iran-U.S. 122 جاپ شده است). همچنین رجوع شود به: ص ۱۰ حکم شماره ۱۴۱-۷-۲ مورخ هشتم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴] صادره در پرونده تیپتس، ایت، مک کارتی، استراتن و شرکت مهندسین مشاور تامس - آفا

ایران (که در ۲۶-۲۵ Iran-U.S. C.T.R 219، چاپ شده است).

۲۴ - آقای دیلی مدعی است که پس از مراجعه‌های مکرر و بی نتیجه به اصطبل، برای دسترسی به اسب و عدم توفیق در پس گرفتن اسب، وی و خانواده‌اش در مارس ۱۹۷۹ علاوه‌اً از حقوق مالکیت خود بر اسب محروم شدند. شهادت آقای دیلی در مورد این موضوع، با شهادت‌نامه آقای دیوید رنشا، همکار انگلیسی او مطابقت می‌کند. نامبرده می‌گوید که با خانواده دیلی، در هنگام مراجعه به اصطبل، «با نهایت خصوصت» رفتار می‌شد. دیوان مقاعد نشده است که این امر می‌تواند در مقام مقایسه با سایر ادله و مدارک پرونده، مبنای راعی به وقوع مصادره قرار گیرد. دلیل و مدرکی وجود ندارد که پاسداران انقلاب اسب را برای استفاده خود ضبط کرده باشند. بالعکس، اختلافی در این نیست که به آقای رنشا اجازه داده شده بود که به طور مرتب به اسب دسترسی داشته باشد و دستیار سویسی وی نیز مجاز بود مرتبًا با اسب تمرین سوارکاری کند. ترتیب این امر قبلًا با خانواده دیلی داده شده بود و نامبردگان تا ژوئن ۱۹۷۹ کماکان هزینه نگهداری و مراقبت از اسب در اصطبل را پرداخت می‌کردند. از آن به بعد، آقای رنشا مسؤولیت پرداخت هزینه‌ها را تقبل کرد و ظاهراً تا هنگام خروج از ایران، قادر بود از اسب استفاده کند. عملی شدن این ترتیبات، با این نتیجه‌گیری که اسب مصادره شده، سازگار نیست. علاوه براین، آقای دیلی در تاریخ دوم تیرماه ۱۳۵۸ [۲۳ ژوئن ۱۹۷۹]، یعنی اندکی قبل از عزیمتش، بیع نامه‌ای در مورد اسب به نفع آقای رنشا امضا کرد. این سند، صرفنظر از آثاری که از لحاظ مالکیت اسب دارد، حداقل حاکی از آنست که آقای دیلی هنوز خود را قادر به فروش یا واگذاری اسب می‌دانسته است. بعلاوه، نامه‌هایی که آقای رنشا به شخصی در خارج از ایران نوشته، و توسط خواهانها به عنوان مدرک ارائه شده‌اند، حاکی از آنست که آقای رنشا خود را مالک اسب می‌دانسته است. با توجه به مجموعه ادله و مدارک، دیوان نتیجه نمی‌گیرد که

اسب مصادره شده است. لذا، این بخش از ادعا مردود شناخته می‌شود.

ج - قالی های کاشان و سایر اثاثه منزل

۲۵ - دیوان بر مبنای ادله و مدارک موجود نزد خود، می‌پذیرد که خواهانها در طول اقامتشان در تهران آپارتمان خود را مبلمان کرده بودند. سوگندنامه آقای دبليو. هايسبو، همکار آقای دبليو در صنایع هواپیمایی، که با خانواده دبليو رفت و آمد داشته، موعد این واقعیت است که خواهانها دو تخته قالی کاشان داشته‌اند. اظهارات خانم بصیریان حریری، همسر صاحبخانه، حداقل، مالکیت یک تخته قالی را تأیید می‌کند. نامبرده در جلسه استماع اظهار داشت که بیاد می‌آورد یک تخته قالی [در منزل دبليو] دیده است. در مجموع، دیوان نتیجه می‌گیرد که خواهانها اثاثه‌ای داشته‌اند که زمانی دو تخته قالی نیز جزو آنها بوده است.

۲۶ - براساس مدارک تسلیمی و اظهارات آقای دبليو در جلسه استماع، دیوان همچنین می‌پذیرد که هر دوی خواهانها در ژوئن ۱۹۷۹ در ایران بوده‌اند. جزو مدارک تسلیمی توسط خوانده، دو رسید بانکی به تاریخ ۱۵ خردادماه ۱۳۵۸ [پنجم ژوئن ۱۹۷۹] مشاهده می‌شود که برای خرید چک مسافرتی صادر شده است.

۲۷ - معیندا، ادله و مدارک تسلیمی، برای اثبات این مطلب که قالی ها و یا اثاثه دیگری در تاریخ مصادره ادعایی در آپارتمان وجود داشته، کافی نیست. آقای دبليو می‌گوید در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [هفتم مه ۱۹۷۹] که وی و همسرش آپارتمان را به قصد رفتن به محل امن تری ترک کردند، فقط البسه ضروری با خود برداشتند و اثاثه و اشیاء قیمتی، از جمله قالی ها را با این قصد که بعداً بازمی‌گردند و آنها را برمی‌دارند، باقی گذاشتند. هیچ توضیح قانع‌کننده‌ای در این

مورد داده نشده است که چرا ایشان قالی‌ها را باتوجه به ارزش مسلم و سهولت حمل و نقل آنها، با خود نبردند. بعلاوه، اظهارات آقای دیلی با شهادت آقای صالحی نسب و همسرش خاتم بصیریان حریری، تعارض دارد. نامبردگان در جلسه استماع شهادت دادند که خانواده دیلی هنگام ترک آپارتمان در فوریه ۱۹۷۹، هیچ چیز با ارزشی غیر از دو لنگه پرده و چند جعبه کاغذ، بر جای باقی نگذاشتند.

۲۸ - حتی با فرض اینکه اموال مورد بحث در آپارتمان باقی مانده بوده، باز خواهانها باید ثابت کنند که این وسائل توسط افراد یا گروههایی که دولت ایران قانوناً مسئول اعمال ایشان است، از آپارتمان بیرون برده شده است. آقای دیلی نمی‌گوید که وی شخصاً شاهد بیرون بردن اثناء منزلش بوده است. تنها مدرک برای تائید ادعای مسئولیت ایران، شهادتنامه آقای شریفی، از دوستان خانواده دیلی است که می‌گوید در تاریخ نهم خردادماه ۱۳۵۸ [۳۰ مه ۱۹۷۹] به قصد دیدار خانواده دیلی [به آپارتمان ایشان] رفته بود، بدون آنکه بداند ایشان قبله آن ناحیه را ترک کرده‌اند. وی مشاهده کرد که پاسداران انقلاب در حال بیرون بردن اشیاء گوناگون متعلق به خانواده دیلی از آپارتمان هستند. آقای شریفی که فقط چند دقیقه‌ای در آن صحنه مانده بود، هیچ وسیله خاصی را که از آپارتمان برده شده باشد، مشخص نساخته است. آقای دیلی می‌گوید که پس از شنیدن این خبر، روز بعد به آپارتمان مراجعت کرد و خانه قبلی خود را خالی یافت. شهادت صاحبخانه و همسر وی با این اظهارات در تعارض است. در جلسه استماع، نامبردگان منکر آن شدند که پاسداران انقلاب هیچگاه وارد آپارتمان شده و یا واقعه‌ای نظیر آنچه که آقای شریفی حکایت می‌کند، رویداده باشد. بالعکس، ایشان اظهار داشتند که خانم و آقای دیلی قبل از عزیمت خود، بعضی از اثناء را حراج کرده بودند.

۲۹ - نظر دیوان اینست که خواهانها از عهده اثبات این ادعا بر نیامده اند که سلب مالکیت

توسط اشخاصی که اعمالشان قابل انتساب به دولت ایران باشد، صورت گرفته است. دلیل و مدرک کافی در تایید این نتیجه‌گیری وجود ندارد که قالی‌ها یا بقیه اثاثه خواهانها در اوضاع و احوالی بیرون برده شده بود که موجود مسؤولیت برای دولت ایران باشد. به علاوه، مدارک اندکی نیز که در این زمینه وجود دارد، با شهادت مالک آپارتمان و همسرش در تعارض است. لذا، این بخش از ادعا باید به لحاظ فقد دلیل، مردود شناخته شود.

د) پول نقد و سکه و جواهرات

۳۰ - در این مورد نیز، خواهانها باید بار اثبات مالکیت، مصادر و ارزش اقلامی را که بابت آنها غرامت مطالبه می‌کنند، بر عهده گیرند. آقای دیلی می‌گوید که وی در اوایل ژانویه ۱۹۷۹ پس اندازش را از بانک به ریال برداشت کرد و آنرا در طول ماههای مارس و آوریل و مه در بازار به اسکناس‌های ۱۰۰۰ دلاری تبدیل نمود. نام بانکی که آقای دیلی مدعی است پول خود را از آن برداشت کرده، ذکر نشده و وی هیچیک از صورتحسابهای بانکی یا مدرک مستند دیگری مبنی بر برداشت پول ارائه نداده است. سوابق امر، حاوی نسخه‌ای از تقاضاهایی است که هر یک از خواهانها در تاریخ ۱۵ خردادماه ۱۳۵۸ [پنجم ژوئن ۱۹۷۹] برای دریافت کلا" ۲۰۰ دلار چک مسافرتی تسليم کرده بودند، لکن این مبالغ ظاهرا" جزو ادعای حاضر نیست. بالعکس، آقای دیلی مشخصا" فقط به پانزده برگ اسکناس ۱۰۰۰ دلاری اشاره نموده و هیچ توضیحی در این باره داده نشده است که چرا خانم و آقای دیلی به جای آنکه چکها را به همان صورت خارج کنند - که ظاهرا" روش مطمن تری نیز هست - می‌بایستی آنها را به پول نقد تبدیل کرده باشند. دیوان داوری متقادع نشده است که خواهانها داشتن این مبلغ نسبتا" زیاد پول نقد را که بابت آن مطالبه غرامت می‌کنند، اثبات کرده‌اند.

۳۱ - آقای دیلی همچنین ادعا می‌کند که کلکسیونی از سکه‌های طلای پهلوی با خود همراه داشت که در فرودگاه از او گرفته شد. هیچگونه توضیحی داده نشده که وی این سکه‌ها را از کجا و چه وقت به دست آورده، چه برسد به قبض رسید یا مدرک بیمه‌ای که وجود این سکه‌ها یا ارزش آنها را تأثیر نداشت. دیوان داوری متقادع نشده است که خواهانها مالکیت سکه‌ها یا ارزش آنها را ثابت کرده‌اند.

۳۲ - بالاخره، خواهانها بابت چند قطعه جواهر که حسب ادعا، خانم دیلی همراه داشته و ساعت مچی رولکس آقای دیلی، مطالبه غرامت می‌کنند. تنها مدرک در مورد جواهرات خانم دیلی، صورتی است که آقای دیلی داده و در آن، جواهرات را با بیانی کلی شرح داده است : "یک قطعه الماس یک تخمه" دو حلقه انگشتی از سنگهای قیمتی مختلف" و "دو النگوی طلای ایرانی". دیوان نمی‌تواند صرفاً برمبنای این شرح، مالکیت جواهرات مزبور را احراز و یا منطقی بودن ارزش مورد مطالبه را برآورد کند. بالعکس، دیوان متقادع شده است که ادله کافی وجود دارد که قضاوت درباره مالکیت ساعت مچی آقای دیلی را میسر می‌سازد. رولکس که مارک مشخصی است، ذکر شده و دیوان داوری بر این نظر است که آقای دیلی "محتملاً" همانطور که خود شهادت داده، مثل اغلب صاحبان حرف، عادتاً یک ساعت مچی داشته که آنرا به دست می‌کرده است. علاوه براین، شرحی که از ساعت داده شده، کافی برای این نتیجه‌گیری است که ارزش مورد اظهار آقای دیلی، یعنی ۸۰۰ دلار، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

۳۳ - اظهارات آقای دیلی در مورد وقایعی که حسب ادعا، قبل از خروج آقا و خانم دیلی از فرودگاه مهرآباد در چهارم تیرماه ۱۳۵۸ [۲۵ زوئن ۱۹۷۹] رویداده است، مفصل و قانع‌کننده است، لکن دلیل و مدرکی در تأثیر آن ارائه نشده است. دیوان بهرحال به این مطلب توجه دارد که تحصیل ادله تأثیری از کسانی که ممکن

است شاهد رویدادهای موصوف بوده باشند، کاری آشکارا مشکل است.

۳۴ - خوانده به شدت انکار کرده است که کارکنان فرودگاه دست به سرفت اشیاء متعلق به مسافران زده باشند و استدلال می‌کند که حتی اگر کارکنان فرودگاه دست به چنین اعمالی هم زده باشند، نمی‌توان دولت ایران را قانوناً مسئول این قبیل اعمال غیرمجاز دانست.

۳۵ - مسائله اوضاع فرودگاه مهرآباد، هم از نظر شرح وقایع و هم از جهات حقوقی، به طور کامل و دقیق در پاراگراف های ۶۱ تا ۶۳ [متن انگلیسی] حکم جزئی شماره ۳۲۴-۱۰۱۹۹-۱ مورخ ۱۱ آبانماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده داوری در آن پرونده نظر داد که در فوریه ۱۹۷۹ فرودگاه مهرآباد علاوه بر داده اند که شرح آن رفته و دولت قانوناً مسئول قصور آنها در ممانعت از وقوع این قبیل رویدادها بوده است. دیوان داوری هیچگونه اختلاف و تمایز مهمی بین آن پرونده و پرونده حاضر نمی‌بیند. گرچه تاریخ خروج خانواده دیلی در ماه ژوئن، و زمان خروج آقای بیگر اندکی زودتر، یعنی در فوریه بوده، با اینحال هیچیک از مندرجات پرونده نشان نمی‌دهد که تا ماه ژوئن، تغییرات مهمی در اوضاع فرودگاه مهرآباد حادث شده بوده و یا اینکه فرودگاه، دیگر در کنترل پاسداران انقلاب نبوده است. بنابراین، بر مبنای این ملاحظات، دیوان می‌پذیرد که ساعت مچی آقای دیلی ضبط گردیده و لذا، مبلغ ۸۰۰ دلار غرامت به نفع او حکم می‌دهد.

ه) بـرره

۳۶ - دیوان لازم می‌داند طبق اصول مندرج در صفحات ۳۸ - ۳۶ حکم شماره ۱۸۰-۱۴-۱ مورخ ششم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۷ ذوئن ۱۹۸۵] صادره در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران (که در U.S. Iran 8 C.T.R. 298, 320-22 به چاپ رسیده است) به شرح زیر، بهره به خواهانها برداخت شود: نسبت به مبلغ ۷،۵۰۰/- دلار، از تاریخ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۹ فوریه ۱۹۷۹]، یعنی تاریخ مصادره اتومبیل پیکان، و نسبت به مبلغ ۸۰۰/- دلار، از تاریخ چهارم تیرماه ۱۳۵۸ [۲۵ ذوئن ۱۹۷۹]، یعنی تاریخ ضبط ساعت رولکس.

و) هزینه ها

باتوجه به این واقعیت که خواهانها فقط از عهده اثبات حدود یک دهم کل ادعای خود برآمده‌اند، و با توجه به هزینه‌های متحمله توسط خوانده، دیوان معتقد است که باید مبلغ ۲،۰۰۰/- دلار بابت هزینه‌های داوری خوانده، به نفع وی حکم داده شود و این رقم، از مبلغ اعطایی به نفع خواهانها کسر گردد.

د) حکم

به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

یک) خوانده، جمهوری اسلامی ایران مکلف است مبلغ شش هزار و سیصد (۶،۳۰۰/-) دلار

امريكا به اضافه بيره ساده به ترخ ۱۰/۵۰ درصد در سال (برمبني ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ -۷،۵۰۰ دلار از تاريخ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۹۷۹ فوريه] و نسبت به مبلغ -۸۰۰ دلار امريكا از تاريخ چهارم تيرماه ۱۳۵۸ [۲۵ زوئن ۱۹۷۹] لغايت تاريخي که کارگزار امانی دستور پرداخت محکوم به را از حساب تضمیني به بانک امين صادر می‌کند، مشترکاً به خواهانها، لعواندار و ميويس ديلی پرداخت نماید.

(دو) بقیه ادعاهای مردود شناخته می‌شوند.

تعهدات ياد شده با پرداخت از محل حساب تضمیني مفتوح طبق بند هفت بيانیه مورخ ۲۹ ديماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانويه ۱۹۸۱] دولت جمهوري دموکراتيک و مردمي الجزايير، ايفاء خواهد شد.

بدينوسيله حکم حاضر به منظور ابلاغ به کارگزار امانی، به رياست ديوان تسليم می‌شود.

لاهه، به تاريخ ۱۳۶۷ فروردین ۱۳۶۷ برابر با ۱۹۸۸ آوريل

كارل - هاينس بوکشتيل
رئيس شعبه يك

هوارد آم. هولتزمن

بنام خدا
اسdale نوري
موافق با قسمتی از حکم و
مخالف با قسمتی دیگر